



گونه‌شناسی قدرت و سازوکارهای نفوذ رهبر از منظر قرآن*

علی رضائیان * حسن عابدی جعفری ** امیرعلی لطفی *** محمدرضا یوسفی ****

چکیده

مسائل رهبری با روان بشر سروکار دارد. جلب همکاری و به حرکت درآوردن آن‌ها به سوی هدفی مقدس و عالی مهارت و ظرافتی فوق‌العاده می‌خواهد. امروز پس از پیشرفت‌های حیرت‌انگیز روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مدیریت، هنگامی که سیره رهبری اولیای خدا مطالعه می‌شود به دست می‌آید که دقیق‌ترین ملاحظات روانی، بر اصول دقیق علمی رهبری منطبق است؛ بنابراین می‌توانستند تا اعماق دل‌های مردم نفوذ کنند؛ مردم آنچه داشتند را در طبق اخلاص می‌گذاشتند. با این وجود، دانش مدیریت و رهبری هنوز بر ناشناختگی و ناکافی بودن دستاوردها برای شناخت و نفوذ به ابعاد پنهان انسان اعتراف دارد. قرآن کریم، با بیان رهبری پیامبران، سازوکارهای گوناگون و اثربخشی را برای نفوذ در اختیار رهبران قرار می‌دهد. روش پژوهش در این مقاله برای یافتن پاسخ مسئله پژوهش از قرآن کریم، تفسیر موضوعی شهید صدر بوده است. نتیجه آن شد که قدرت رهبر بر سه گونه «قدرت تخصص و اطلاعات»، «قدرت اخلاق» و «قدرت معنوی» استوار است. هر کدام از این قدرت‌ها برای تأثیرگذاری بر بُعد خاصی از وجود آدمی کارآمد می‌باشد. همچنین برای نفوذ، ۱۳ سازوکار به دست آمد که رهبر باید از آن‌ها با توجه به سطح دانش، شرایط عاطفی و وضعیت روحی مخاطبان استفاده کند.

واژگان کلیدی: قرآن، قدرت، نفوذ، رهبری، سازمان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۷/۲۰

* استاد دانشگاه شهید بهشتی: a.rezaeian@isu.ac.ir

** استادیار دانشگاه تهران: h_abedijafari@yahoo.com

*** دانشیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه: hamdrahmat@gmail.com

**** دانش آموخته دکتری قرآن و مدیریت، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث: (نویسنده

مستول): yosofimr@gmail.com



مقدمه

در دانش مدیریت، یکی از وظایف اساسی مدیر «رهبری نیروی انسانی» است. هرچه این دانش، بیشتر توسعه می‌یابد و بر جنبه‌های انسانی مدیریت بیشتر واقف می‌گردد به همان نسبت نیز اهمیت تحقیق و توجه درباره رهبری رو به فزونی گذارده می‌شود. «نفوذ» از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین عنصر در «رهبری»^۱ باشد؛ «قدرت»، ارتباطی ناگسستنی با نفوذ دارد؛ و از مؤلفه‌های اصلی رهبری است. هرچه قدرت رهبر و تنوع آن بیشتر باشد نفوذ او نیز افزون‌تر و همه‌جانبه‌تر خواهد شد و در نتیجه به اثربخشی سازمانی نزدیک‌تر می‌گردد. با این وجود هنوز پژوهش‌های رفتارشناسی و روان‌شناسی ادامه دارد. هدف این است تا گونه‌های قدرت و نیز سازوکارهای نفوذ به عمیق‌ترین و اثربخش‌ترین لایه‌های درونی آدمی در بُعد فردی و اجتماعی کشف گردد، آنگاه رهبر این یافته‌ها را به کار گیرد تا بتواند آدمی را با حداکثر کارایی و انگیزه در مسیر اهداف جهت دهد.

هنگامی که سیره رهبری اولیای خدا بررسی می‌گردد مشاهده می‌شود که بر دقیق‌ترین ملاحظات روانی و بر اصول دقیق علمی رهبری منطبق است و به این ترتیب بود که می‌توانستند تا اعماق دل‌های مردم نفوذ کنند؛ مردم آنچه داشتند را در طبق اخلاص می‌گذاشتند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۲۸) قرآن کریم، سبک رهبری پیامبران الهی را بیان کرده است و تأکید دارد که آنان برای شما الگو می‌باشند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (ممتحنه/۶) با بررسی پیشینه به دست می‌آید تاکنون پژوهشی که با رویکرد قرآنی «گونه‌های قدرت و سازوکارهای نفوذ رهبر» را به‌طور جامع بررسی کرده باشد، سامان نیافته است؛ از این رو در این مقاله کوشش

۱. Leadership.



می‌شود تا نخست، «چیستی و گونه‌های قدرت رهبر» از قرآن استخراج، توصیف و تحلیل شود و سپس «چگونگی و سازوکارهای نفوذ» از منظر این کتاب الهی بررسی گردد.

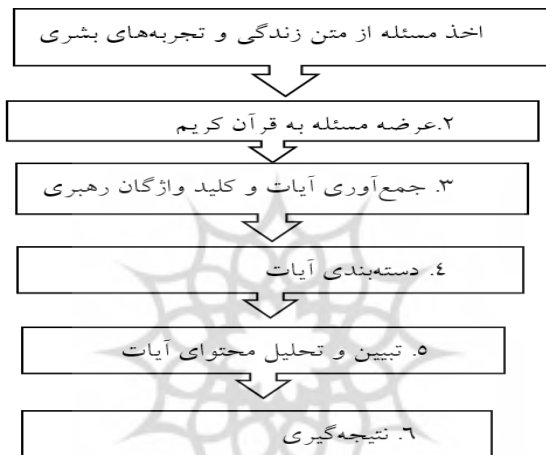
روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق از نظر گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و روش تحلیل برای رسیدن به پاسخ مسئله، «تفسیر موضوعی شهید صدر» است. ایشان، استنتاج قرآن را به معنای تفسیر موضوعی می‌دانند. در این روش مفسر کار خود را با واقعیت موجود و محصول تجربه بشر در متن زندگی می‌آغازد و با شناسایی عناصر اصلی موضوع، پرسش‌ها و خلأهای موجود را مطالعه و سپس به قرآن عرضه می‌کند. (صدر، ۱۴۰۸، ص ۵۱-۴۸) مفسر در این روش نقشی فعال یافته و فارغ از قضاوت‌های پیشین، به قرآن مراجعه می‌کند. او به تحلیل‌های علمی فقط از جهت ارائه عناصر اصلی موضوع اعتماد می‌کند و با دیده تردید بدان می‌نگرد و با مقایسه و عرضه آن بر وحی، در پی کشف درستی و نادرستی و نیز انتساب آن بر قرآن برمی‌آید. پویایی و پیشروی تفسیر در این دیدگاه بسیار مشهود است. (صدر، ۱۴۰۸، ص ۵۴) از ویژگی‌های مهم این روش توجه زیاد به علوم انسانی است و اینکه قابلیت تطبیق بر علوم انسانی را نیز دارد. (کیاالحسینی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۱) امروزه روش تفسیر موضوعی برون‌گرا به‌عنوان روش علمی قابل طرح، از ویژگی مسئله محوری برخوردار است (قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰-۱۲۰) و می‌تواند به حضوری کاربردی در جامعه دست یابد و تلاش‌های تفسیری در حقیقت فعالیتی برای حل مشکلات باشد.



مدل مفهومی و فرایند پژوهش

به‌طور خلاصه مدل مفهومی و فرایند پژوهش این مقاله، چنین است: ۱. اخذ مسئله از متن زندگی و تجربه‌های بشری؛ ۲. عرضه مسئله به قرآن کریم؛ ۳. جمع‌آوری آیات و کلید واژگان رهبری؛ ۴. دسته‌بندی آیات؛ ۵. تبیین و تحلیل محتوای آیات؛ ۶. نتیجه‌گیری.



نمودار ۱. مدل مفهومی و فرایند انجام پژوهش

چیستی قدرت و نفوذ

نفوذ^۱ فرآیند تأثیر بر تفکرات، رفتار و احساسات فرد دیگر است. (خانکا، ۱۳۸۹، ص ۳۳۸) حالا فرد اثرگذار می‌تواند رئیس (نفوذ از بالا به پایین)، کارمند (نفوذ پایین به بالا) یا یک همکار (نفوذ مورب) باشد. (رضائیان، ۱۳۹۳، ص ۷) همچنین قدرت^۲ و نفوذ دو مفهومی هستند که ارتباط نزدیکی با هم دارند. بدین صورت که نفوذ فراگردی است که ضمن آن یک

۱ . Influence.

۲ . Power.



فرد نگرش‌ها و رفتار فرد دیگر را به دلخواه خود تعدیل و اصلاح می‌کند و قدرت آن چیزی است که این امکان را به او می‌دهد. (چارلز هنری، به نقل از: نادری قمی، ۱۳۸۷، ص ۳۹) بنابراین، نفوذ نتیجه‌ای است که از به‌کارگیری قدرت حاصل می‌شود؛ (رضائیان، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶) پس رهبری عبارت است از روند نفوذ در فعالیت‌های فرد یا گروه در یک موقعیت خاص به خاطر دستیابی به هدف. به بیان ساده، رهبری تلاشی است برای نفوذ، در صورتی که تعریف قدرت توانایی نفوذ است. (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰) نکته مهمی که باید در اینجا بیان شود این است که اگر مدیران به موقع از قدرت خود استفاده نکنند، پایگاه قدرت خود را از دست می‌دهند و این تصور در نزد پیروان به وجود می‌آید که مدیر از قدرت لازم برخوردار نیست. همچنین باید به‌طور عادلانه از قدرت خود استفاده نماید. (Hersey and Belanchar, 1988, p. 232) از انواع قدرت، قدرت‌های برآمده از ویژگی‌های شخصی مربوط به رهبری است و دیگر موارد قدرت مانند قدرت تنبیه، ناشی از مقام و مدیریت می‌باشد؛ از این رو در بررسی گونه‌های قدرت رهبر از منظر قرآن، فقط به بررسی قدرت‌هایی که مربوط به ویژگی‌های شخصی رهبر است، پرداخته می‌شود.

گونه‌شناسی قدرت رهبر

۱. قدرت تخصص و اطلاعات

یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌های وجودی انسان «اندیشه‌ورزی» است که علامه طباطبایی آن را «شریف‌ترین» نیرو در وجود انسان می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۵۵) بر اساس این ویژگی روان‌شناسانه و خدادادی، انسان در اجرای هر عملی باید نخست در ذهن خود آن را توجیه و مورد پذیرش قرار دهد؛ از این رو رهبر باید بتواند در اندیشه و ذهنیت زیردستان و کارکنان نفوذ کند و آنان را در پیروی از خود و اهداف و برنامه‌ها همراه بسازد.



این فرآیند بر اساس یافته‌های دانش مدیریت می‌تواند بر پایه دو قدرت شخصی رهبر یعنی «قدرت تخصص»^۱ و «قدرت اطلاعات»^۲ شکل گیرد. «قدرت تخصص» یعنی تصور حاصل از دارا بودن دانش، تجربه و تخصص رهبر در کار و «قدرت اطلاعات» یعنی تصور حاصل از دسترسی به اطلاعات سازمانی و محیطی. (زارعی متین، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳)

در قرآن بر وجود قدرتی به نام قدرت تخصص و اطلاعات اشارت رفته است و استفاده از آن، نه تنها معنی ندارد بلکه از شرایط اساسی برای رهبری و مدیریت است؛ از این رو در قرآن کریم، خود علم، قدرت است و قدرت علم است و لهذا در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد موجود هستند. در قرآن در آن آیه که صحبت از علم است می‌گوید: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»، نمی‌گوید: «عَلَّمَهُ كَثِيرُ الْعِلْمِ».

در داستان حضرت سلیمان (ع) و بلقیس نیز که یکی از حاضران تخت بلقیس را در یک چشم برهم زدن حاضر کرد، اینجا نیز که صحبت از قدرت است علم را به میان می‌آورد: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ (نمل/ ۳۰-۴۰) آن کس که نزد او علمی از کتاب خدا بود، گفت: من پیش از اینکه چشم به هم بزنی، آن را پیش تو می‌آورم.» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۳۹)

قرآن کریم، رهبران الهی را دارای قدرت تخصص و اطلاعات برای هدایت انسان‌ها به سوی دگرگونی مثبت، تزکیه و پاکی معرفی می‌فرماید: «أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ (بقره/ ۱۵۱)

۱. Expert power.

۲. Information power.



در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شمارا پاک می‌سازد و شمارا کتاب و حکمت - گفتار و کردار درست - می‌آموزد و آنچه نمی‌دانستید به شما می‌آموزد». استاد مطهری در کتاب «رهبری و مدیریت در اسلام» علت موفقیت پیامبر اسلام (ص) در ایجاد تحول در جامعه جاهلی عربستان را، داشتن قدرت تخصص در رهبری بیان می‌کند و می‌نویسد: «قرآن مجید تعبیر عجیبی راجع به پیغمبر اکرم دارد: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ... يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ (اعراف/۱۷۵) ... این پیامبر امی که در تورات و انجیل از او یاد شده است، چیزهای خوب را بر آنها حلال می‌کند و پلیدی‌ها را حرام می‌نماید و بار سنگین را از دوش آنها برمی‌دارد و غل‌ها را از مردم باز می‌کند». پیغمبر این نیروهای بسته را باز کرد. مدیریت اجتماعی یعنی این؛ رهبری یعنی این؛ مجهز کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و درعین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها. مدیریت صحیح از ضعیف‌ترین ملت‌های دنیا، قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد؛ آن‌چنان‌که رسول اکرم (ص) کرد و این معجزه رهبری بود. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۲۴)

۲. قدرت اخلاق

انسان همان‌طور که دارای جهت «عقلانی» است که حقایقی را درک می‌کند جهت «عاطفی و احساسی» نیز دارد که گرایش‌های او را تأمین می‌کند؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۱) بنابراین، رهبر باید بتواند بر عواطف و احساسات افراد نیز نفوذ داشته باشد. بر همین اساس پیامبران مأموریت داشتند تا افزون بر ارائه استدلال‌ات منطقی قوی و اظهار تخصص و اطلاعات، در دل و عواطف مردم نیز نفوذ کنند؛ از این رو «پیغمبران نیامده‌اند که فقط مدعاهایی



را وارد عقل مردم کنند. فلاسفه، کاری که دارند، هراندازه موفق بشوند، این است که سخنی را تا عقل مردم نفوذ می‌دهند اما از آن بیشتر دیگر نه. پیام الهی گذشته از اینکه در عقل‌ها باید نفوذ کند، در دل‌ها باید نفوذ کند؛ یعنی باید در عمق روح بشر وارد بشود و تمام احساسات او یعنی تمام وجودش را در اختیار بگیرد؛ لهذا پیغمبرانند که می‌توانند بشر را در راه حقیقت به حرکت در آورند نه فیلسوفان». (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۴۶)

«قدرت اخلاق» است که می‌تواند از عهده این وظیفه برآید و منظور، مجموعه‌ای از توانایی‌ها و رفتارهای خاص است که جنبه اخلاقی دارند؛ مانند رفق و مدارا، خوبی در برابر بدی، الفت و محبت، سعه‌صدر و ... (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

از منظر شواهد تحقیقی، رهبری اثربخش با عملکرد بهتر و هم اخلاقی‌تر همراه است. (دو کریچ و همکاران، ۱۹۹۰، ص ۴۷۳-۴۹۳ به نقل از: رضائیان، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵) تمام پیامبران از قدرت اخلاقی بهره برده و بر مدار احترام و محبت، دیگران ارتباط برقرار می‌کردند. خداوند متعال درباره عظمت قدرت اخلاقی پیامبر اسلام (ص) خطاب به خود پیغمبر می‌فرماید: ای پیغمبر! نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری و می‌فرمایند: «فَإِذَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ (آل عمران/ ۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد».

شخصیت رسول اکرم، خلق و خوی رسول اکرم، سیره رسول اکرم، طرز رفتار رسول اکرم، نوع رهبری و مدیریت رسول اکرم عامل دوم نفوذ و توسعه اسلام است و حتی بعد از



وفات پیغمبر اکرم هم تاریخ زندگی پیغمبر اکرم یعنی سیره او که بعد در تاریخ نقل شده است، خود این سیره تاریخی عامل بزرگی بوده است برای پیشرفت اسلام. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۷۴)

۳. قدرت معنوی

در پارادایم‌های جدید، سازمان‌ها به مفاهیمی همچون سازمان معنویت‌گرا، سازمان ایمان محور و یا رهبری معنوی متمایل شده‌اند. تغییرات بنیادینی در حال شکل‌گیری در محیط کار است و معنویت یکی از موضوعات اساسی در این زمینه خواهد بود. (Tourish&N, ۲۷-۲۲۴, p. ۲۰۱۲)، همچنین بسیاری از دانشمندان بر آن هستند که تعریف رهبری باید شامل معنویت نیز باشد و می‌تواند برای سازمان و جامعه سودمند باشد و به توسعه کاری اعضا پردازد. (Arnold Oliveira, ۲۰۰۴، به نقل از زارعی متین، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳) در پژوهش‌های اسلامی - مدیریتی سخنی از «قدرت معنوی» نیامده است و یا در ذیل قدرت اخلاق به‌طور گذرا بیان گشته (ر.ک: شفیعی، خدمتی، آقا پیروز، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳-۲۰۳؛ نبوی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱-۱۳۸؛ نادری قمی، ۱۳۸۷، ص ۹۸-۱۹۷) یا از نگاه مدیریت اسلامی تبیین و تحلیل نگشته است. (برای نمونه ر.ک: نادری قمی، ۱۳۸۷)

در تفکیک ماهیت قدرت اخلاق و قدرت معنویت باید گفت: قدرت اخلاق برآمده از احساسات و عواطف رهبر است و به نیاز عاطفی آدمی پاسخ می‌دهد و به کیفیت رابطه بین انسان‌ها توجه دارد؛ ولی قدرت معنوی خاستگاهش از ارتباط با عالم ماوراء به‌ویژه خداوند متعال می‌باشد و پاسخگو و ارضاء کننده نیاز معنوی و الهی آدمی است. این پژوهش با توجه به پدیدار شدن توجه روزافزون به معنویت در دانش مدیریت و رهبری، به‌طور جداگانه به تبیین و تحلیل چیستی و چگونگی اثربخشی قدرت معنوی در رهبری می‌پردازد. اسلام به‌ویژه قرآن



کریم آکنده و سرشار از دانش قدرت معنوی است. پایه‌های قدرت معنوی در رویکرد اسلامی - قرآنی ایمان به توحید و معاد می‌باشد. علامه طباطبایی، معنویت را ایمان و باور به توحید و معاد می‌داند؛ یعنی آنچه بدون اعتقاد به آن‌ها زندگی بی‌معنی و عبث جلوه می‌کند. در واقع بدون اعتقاد به توحید و معاد زندگی پوچ و بی‌معنا است. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۷۱ و ۱۷۲).

قدرت معنوی قرآنی از توحید سرچشمه می‌گیرد. این قدرت، از نظر کیفیت فوق‌العاده، بی‌نظیر و متفاوت با دیگر قدرت‌ها است و فراتر و قوی‌تر از آن‌ها می‌باشد. قرآن کریم کسانی را که بهره‌مند از قدرت معنوی ایمان به خدا هستند را عامل برتری معرفی می‌کند: «وَلَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران/۱۳۹) و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید؛ زیرا «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱) ما قطعاً فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان اعمال برای ادای شهادت به پا می‌خیزند، یاری می‌کنیم.

قرآن در بیان میزان اثربخشی و برای بیان تفاوت قدرت مادی با معنوی و الهی، از عدد بیست استفاده کرده و می‌فرماید اگر مؤمنین بیست نفر باشند بر دویست نفر غیر مؤمن غلبه می‌کنند: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (انفال/۶۵) هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند. و این واقعیت در طول تاریخ به‌وضوح قابل مشاهده است به‌طوری‌که معمولاً در جنگ‌های اسلام تعداد و منابع مسلمانان کمتر بوده و معمولاً هم پیروز شده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: جنگ بدر (۳۱۳ مقابل ۱۰۰۰ نفر)، جنگ احد (۷۰۰ به ۳ هزار نفر)، جنگ احزاب (۳ هزار به ۱۰ هزار)، جنگ موتة (۳ هزار به



۱۵۰ هزار)، جنگ مسلمانان با ساسانیان (۵۰ هزار و ۵۰۰ هزار)، واقعه یرموک (۲۴ هزار و ۲۰۰ هزار). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۹۱)

از این دو آیه و نیز آیات مانند این، به دست می‌آید که رویکردهای معنوی می‌تواند انگیزه‌هایی فراتر از انگیزه‌های مادی ایجاد کند و حتی آن‌ها را تحت کنترل خود دریاورد و مشکلات مادی به راحتی قابل تحمل گردند؛ البته در مدیریت اسلامی هرگز انگیزه‌های مادی نادیده گرفته نشده و نخواهد شد، ولی تکیه گاه اصلی، انگیزه‌های معنوی است و این از طریق آموزش‌های مستمر عقیدتی و اخلاقی صورت می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۹۴)

سازوکارهای نفوذ رهبر

گفته آمد که مسائل رهبری با روان بشر سروکار دارد. جلب همکاری و به حرکت درآوردن آن‌ها به سوی هدفی عالی مهارت و ظرافت فوق العاده‌ای می‌خواهد. قرآن کریم به رهبران الهی، روش‌های گوناگون و شایسته‌ای را برای نفوذ در پیروان و دیگران معرفی می‌کند. در ذیل به ترتیب روش‌های نفوذ به وسیله قدرت عقلانی (تخصص و اطلاعات)، قدرت اخلاقی و قدرت معنوی تبیین و تحلیل می‌گردند:

۱. روش‌های نفوذ عقلانی (قدرت تخصص و اطلاعات)

خداوند متعال در سوره نحل به پیامبر اسلام (ص) دستور می‌فرماید از سه روش برای نفوذ بهره بگیرد: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای. این آیه طُرق مختلفی برای هدایت ذکر می‌کند و هر طریقی برای موردی خاص است. پس معلوم می‌شود وسیله‌ای که باید در مقام هدایت به کار برد یکسان و یکنواخت نیست. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۵۳۴) این طرق یا روش‌ها عبارت‌اند از: «حکمت»، «موعظه



حسنة» و «مجادله احسن». دو روش حکمت و مجادله احسن برای نفوذ در اندیشه و عقلانیت کاربرد دارند و روش موعظه حسنة برای نفوذ در احساس و عاطفه کارآمد است که در بحث نفوذ اخلاقی بررسی خواهد شد. چهار روش «حکمت»، «موعظه حسنة»، «تخصص» و «اطلاعات» در ذیل توصیف و تحلیل می‌گردند:

۱-۱. حکمت

قرآن می‌فرماید: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ؛ (نحل/۱۲۵) با حکمت و... به راه پروردگارت دعوت کن». نخستین و عمیق‌ترین گزینه که پایه‌های آن می‌تواند استحکام بنیادین داشته باشد حکمت است. «حکمت» به معنای اصابه حق و رسیدن به آن به وسیله علم و عقل است؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۳۱، ماده حکم) آن‌هم طوری نتیجه دهد که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن نماند. (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۵۳۴) به کارگیری این روش همه‌جا کاربرد ندارد و نمی‌تواند مفید واقع شود و میزان اثربخشی آن به سطح دانایی، اندیشه‌ورزی و رشد قوه تعقل مخاطبان وابسته است؛ از این رو مفسران درباره استفاده از این روش گفته‌اند: «دعوت کردن به وسیله حکمت و برهان و دلیل عقلی و علمی برای یک دسته خاص است که استعداد آن را دارند» (همان) و برای کسانی که در این شمار نیستند از دیگر روش‌ها مانند تخصص، اطلاعات یا قدرت اخلاقی و معنوی بهره گرفته می‌شود.

در قرآن نمونه‌های بسیاری از به کارگیری روش حکمت آمده است؛ برای نمونه در قضیه حضرت ابراهیم(ع) و شکستن بت‌ها می‌خوانیم: روزی که مردم شهر بیرون رفته بودند حضرت بت‌ها را شکست و تبر را بر دوش بت بزرگ نهاد. آن‌ها هنگامی که به شهر بازگشتند و به بتکده رفتند. دیدند تمام بت‌ها شکسته‌اند و بت بزرگ سالم است و تبر بر دوش اوست. در ظاهر مقصر بت بزرگ است ولی فطرت آدمی نمی‌پذیرد که یک بی‌جان چنین کرده باشد.



پس پرسیدند: چه کسی چنین کرده است؟ «گفتند: جوانی که نامش ابراهیم است؛ «قالوا سَمِعْنَا فَتَى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ» به سراغ ابراهیم رفتند و پرسیدند: «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ؛ ابراهیم تو با خدایان ما چنین کردی؟»؛ «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ اِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ؛ ابراهیم گفت: این کار، کار آن بت بزرگ است. از خودشان پرسید». گفتند: آن‌ها که حرف نمی‌زنند. گفت: اگر نمی‌توانند حرف بزنند پس چه چیز را می‌پرستید؟! قرآن می‌فرماید: «اینجا بود که به خود باز آمدند؛ فَرَجَعُوا اِلَى اَنْفُسِهِمْ»؛ (انبیاء/ ۶۲-۶۴)

۱-۲. مجادله احسن

بی‌شک به‌طور معمول در بسیاری از سازمان‌ها مدیران و رهبران به دلایل مختلف، مخالفانی دارند. پیشنهاد قرآن کریم در این مواقع، روش «مجادله احسن» است. پیامبران مأمور بودند به شیوه احسن با مردم گفت‌وگو و مناظره داشته باشند و به سؤالاتشان پاسخ دهند تا آنان را به سوی خود و اهدافشان جذب کنند.

خداوند متعال در سوره نحل به رسول خدا(ص) دستور می‌دهد: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ؛ راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما». در قرآن، واژه جدال به معنای «دفاع» در مجادله حق و باطل به کار رفته است. بیشترین کاربرد این واژه در قرآن، در منازعه و مخاصمه ناحق است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳).

علامه طباطبایی درباره بایسته‌های به‌کارگیری این روش می‌نویسد: «اگر از راه جدال دعوت می‌کند باید که از هر سخنی که خصم را بر رد دعوتش تهییج می‌کند و او را به عناد و لجبازی واداشته بر غضبش می‌اندازد پرهیزد و مقدمات کاذب را هرچند که خصم راستش بیندارد به کار نیندند؛... به خصم خود و مقدمات او توهین ننماید و فحش و ناسزا نگوید و از



هر نادانی دیگری بپرهیزد». (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۳۷۱) برای نمونه حضرت نوح (ع) نزدیک به ۹۰۰ سال کوشید تا قومش را با روش‌های گوناگون به خداپرستی فراخواند و همیشه با بردباری با آنان و عقاید باطلشان برخورد می‌کرد. (اعراف/۵۹-۶۴)

۳-۱. تخصص

افرادی که توانایی انجام کارهایی را داشته باشند که دیگران از انجامش ناتوان هستند، نتیجه این توانایی قدرت و نفوذ خواهد بود؛ به‌ویژه اگر کار موردنظر برای اعضای سازمان مهم و تخصصی باشد. یکی از تخصص‌های محیرالعقول پیامبران که قرآن کریم از آن خبر داده است «معجزه» می‌باشد که حکایت‌گر سطحی بسیار عالی و بی‌همتا از تخصص است. این تخصص‌ها با سطح دانش بشری بسیار فاصله داشت و حق‌خواهان و اهل علم با مشاهده آن بلافاصله رسالت پیامبر را پذیرفته و ایمان می‌آوردند و به پیروانی صادق و راستین مبدل می‌شدند؛ برای نمونه ساحران بنی‌اسرائیل بلافاصله با دیدن معجزه حضرت موسی (ع) به او ایمان آوردند و تهدیدهای هراس افکن فرعون نیز آنان را از راهی که برگزیده بودند بازداشت؛ زیرا آنان خود از دانایان در سحر بودند و با دیدن این سطح از تخصص در معجزه حضرت موسی، به آسانی پی بردند که او پیامبری از جانب رب‌العالمین است. (شعراء/۳۸-۵۲) به کارگیری این روش، یعنی معجزه برای اقناع همگان به‌ویژه سطوح عمومی جامعه کارآمد و اثربخش است. «توده مردم توان درک براهین عقلی را ندارند؛ زیرا برهان عقلی به حس نزدیک نیست، به حال اکثر انسان‌ها که گرفتار حس‌اند، نافع نمی‌باشد؛ اما معجزه، چون آیه و بینه است برای همگان مفید است و قابل‌انکار نیست. ممکن است کسی برهان عقلی را بر اثر جهل خود انکار کند؛ اما معجزه را جز به تجاهل نمی‌شود انکار کرد». (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۷)



۴-۱. اطلاعات

رهبران قرآنی از اطلاعاتی بهره‌مند بودند و چیزهایی را می‌دانستند که دیگران بر آن آگاه نبودند. سرچشمه این دانایی، ارتباط با ماورا عالم ماده بود. حضرت نوح(ع) درباره این قدرت خود به مردم می‌گوید: «أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۶۲) چیزهایی از خدا می‌دانم که [شما] نمی‌دانید». این جمله ممکن است جنبه تهدید در برابر مخالفت‌های آن‌ها داشته باشد که من مجازات‌های دردناکی از خداوند در برابر تبهکاران سراغ دارم که شما هنوز از آن بی‌خبرید، و یا اشاره به لطف و رحمت پروردگار باشد که اگر در مسیر اطاعتش گام بگذارید برکات و پاداش‌هایی از او سراغ دارم که شما به عظمت و وسعت آن واقف نیستید، و یا اشاره به این باشد که اگر من عهده‌دار هدایت شما شده‌ام مطالبی درباره خداوند بزرگ و دستوراتش می‌دانم که شما از آن آگاهی ندارید، و به همین جهت باید از من پیروی کنید، و هیچ مانعی ندارد که همه این معانی در مفهوم جمله فوق جمع باشد. در مجموع می‌توان گفت آنان از عالم دیگر اطلاع دارند و یا ... که دیگران این تخصص و دانش را ندارند پس از من اطاعت کنید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۲۲)

۲. روش‌های نفوذ اخلاقی

نخستین دستور قرآن برای نفوذ در انسان‌ها، هرچند افراد منحرف و دور از خدا باشند و در هر سطحی از موقعیت‌های اجتماعی که قرار دارند، برخورد اخلاق مدارانه، باکرامت و آکنده از مهر و عطوفت است و «ممکن است، هیچ برنامه محبت‌آمیزی در دل سیاه بعضی اثر نگذارد، و راه منحصرأً توسل به خشونت باشد، که آن در جای خود صحیح است؛ اما نه به‌عنوان یک اصل کلی و برای آغاز کار، برنامه نخستین محبت است و ملایمت، و این همان



درسی است که آیه ۴۴ سوره طاهرا^۱ به روشنی به ما می‌گوید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۱۳) در ذیل به بررسی و تبیین روش‌های نفوذ اخلاقی پرداخته می‌شود:

۲-۱ موعظه حسنه

یکی از روش‌های نفوذ اخلاقی در قرآن «موعظه حسنه» می‌باشد؛ در این باره آمده است: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (نحل/۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما.» موعظه، به این معنا تفسیر شده که کارهای نیک طوری یادآوری شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند، و در نتیجه تسلیم گردد. (راغب اصفهانی، ۱۴۳۱، ماده وعظ) بعضی از مردم استعداد بیان عقلی و علمی ندارند، اگر مسائل علمی برای آن‌ها طرح شود گیج می‌شوند. راه هدایت آن‌ها پند و اندرز است. با تمثیل و قصه و حکایت و هر چیزی که دل آنان را نرم کند باید آن‌ها را هدایت کرد. سروکار موعظه و اندرز با دل است، و اما سروکار حکمت و برهان با مغز و عقل و فکر است. اکثریت مردم در مرحله دل و احساسات‌اند نه در مرحله مغز و عقل و فکر. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۵۱۸).

علامه طباطبایی در چگونگی نفوذ به عواطف و احساسات مخاطب به وسیله این روش می‌نویسد: «از اینجا روشن می‌شود که حُسن موعظه از جهت حُسن اثر آن در احیاء حق موردنظر است، و حسن اثر وقتی است که واعظ خودش به آنچه وعظ می‌کند متعظ باشد، و از آن گذشته در وعظ خود آن‌قدر حسن خلق نشان دهد که کلامش در قلب شنونده مورد قبول

۱. اذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآيَاتِي وَ لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي (۴۲) اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۴۳) فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه/۴۴).



بیفتند، قلب با مشاهده آن خلق و خوی، رقت یابد و پوست بدنش جمع شود و گوشش آن را گرفته و چشم در برابرش خاضع شود». (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۵۳۵)

۲-۲ سخن لین و نرم

یکی دیگر از روش‌های نفوذ اخلاقی «سخن لین و نرم» است. در سوره طاهّا، خداوند متعال به حضرت موسی (ع) استفاده از این روش، به ویژه در برابر انسان‌های متکبر که برخورد شدیدی، بر سرکشی و خشونت آنان می‌افزاید، را بیان می‌دارد (عدوی، ۱۳۹۹، ص ۲۴۰) و می‌فرماید: «إِذْ هَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ (طه/۴۳-۴۴) به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، (۴۳) و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد». این آیه شیوه برخورد مؤثر با فرعون را در آغاز کار به این شرح، بیان می‌فرماید برای اینکه بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید، با سخن نرم و لین با او سخن بگوئید، منظور از سخن لین، سخنی است که هیچ‌گونه خشونتی در آن نباشد و به وضوح حق را بیان کند. (انصاری قرطبی، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۱۳۴).

بنابراین از این روش می‌توان برای نفوذ و اثرگذاری بر افراد سطوح بالای اجتماعی مانند صاحبان قدرت و ثروت و مدیران و رهبران بهره برد؛ همچنین «اگر خداوند به موسی فرمان داده است که با فرعون به نرمی سخن بگوئید، با دیگران به طریقی اولی باید با نرمی امر به معروف و نهی از منکر کرد». (همان) پیامبر اسلام (ص) نیز از این روش بهره می‌بردند؛ خداوند آشکارا بر اثربخشی و موفقیت این روش در جذب قلوب مردم توسط رسولش در سوره آل عمران تأکید می‌فرماید: «فَإِذَا رَمَیْتَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُمْ قَطًّا غَلِیْظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ (آل عمران/۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.



پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن». بدین روی سبک و متد و روش و منطقی که اسلام در رهبری و مدیریت می‌پسندد لاین بودن و نرم بودن و خوش‌خو بودن و جذب کردن است، نه عبوس بودن و خشن بودن. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۷۶)

۳-۲ محبت

«محبت» یکی از شیوه‌های اخلاقی بسیار مهم و اثربخش رهبر برای نفوذ در دیگران است. «تنها ارتباطاتی که با محبت آمیخته و برای سودرسانی به دیگران باشد، می‌تواند به بالاترین سطح اثربخشی دست یابد. ارتباطات مبتنی بر محبت به‌طور طبیعی رفتار محبت‌آمیز را به گیرنده پیام القا می‌کند و همچنین رفتاری محبت‌آمیز در او ایجاد خواهد کرد. مدیرانی که خواستار قرب الهی هستند، همواره باید در رفتارشان با دیگران حسن نظر داشته و ارتباطاتشان نیز با افراد داخل و خارج سازمان بر مبنای محبت باشد. (رضائیان، ۱۳۷۵، ص ۸۴).

در سبک رهبری پیامبران الهی نیز، رفتار و گفتارهای آنان پرمحبت و پر از لطف به بندگان خداست. قرآن هرگاه از پیامبران الهی یاد می‌کند آن‌ها را با واژه «برادرشان» می‌شناساند؛ برای نمونه درباره حضرت ثمود(ع) و حضرت شعیب(ع) می‌فرماید: «وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ؛ (اعراف/۷۳) وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ». (هود/۸۴)؛ دیگر پیامبران نیز از همین روش بهره می‌بردند: صالح (شعراء/۱۴۲)، لوط (شعراء/۱۶۱)، صالح (نمل/۴۵)، نوح (شعراء/۱۰۶). به کارگیری واژه «یا قوم» می‌تواند به خاطر این باشد که آن‌ها در نهایت دلسوزی و مهربانی، همچون یک برادر، با قوم و جمعیت خود رفتار می‌کردند، و از هیچ کوشش و تلاشی برای هدایت آن‌ها فروگذار نکردند، این تعبیر در مورد کسانی که نهایت دلسوزی درباره فرد یا جمعیتی به خرج می‌دهند گفته می‌شود،



به‌علاوه این تعبیر حاکی از یک نوع برابری و نفی هرگونه تفوق طلبی و ریاست‌طلبی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۲۷) بنابراین تقدم یکسان و همگون این دو واژه «اخ» و «یا قوم» در تمام دعوت‌های این پیامبران می‌تواند نشانگر این مطلب باشد که رهبر در نخستین مرحله ارتباط و نفوذ خود باید از قدرت اخلاقی بهره بگیرد تا ارتباط عاطفی شایسته‌ای بین دو طرف برقرار گردد و سپس از دیگر روش‌ها بهره بجوید و خواسته و هدف خود را بیان کند و پیش برود. امیر مؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر بر این نکته تأکید دارند که مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. (سید رضی، ۱۳۹۵، نامه ۵۳) بنابراین نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع‌ها آن است که با نیروی محبت اداره شود، محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار». (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۴-۲ دفع بدی با خوبی

از دیگر روش‌های اخلاقی که رهبر می‌تواند با به کار بردن آن در قلوب اعضای سازمان و دیگران بسیار عمیق نفوذ کند و احساسات آن‌ها را به‌سوی خود جذب نماید «دفع بدی با خوبی» است که در ادبیات دینی اسلام از آن با نام «مکارم اخلاق» (برای نمونه ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان، دعای مکارم الاخلاق) یاد می‌شود. داشتن مکارم اخلاق، نشانگر سطح ممتاز قدرت اخلاقی رهبر است. قرآن در سوره فصلت میزان قدرت و عمق نفوذپذیری این روش را حتی تا قلب دشمن و مخالفان گسترش می‌دهد. قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». (فصلت/ ۳۴) یک وقت می‌بینی همان که دشمن سرسخت تو بود، قلب ماهیت شد و به یک دوست مهربان تبدیل شد. اگر در مقابل بدی نیکی کنید فوراً خاصیتش را می‌بینید. بدی را نیکی کردن خاصیتش این



است که دشمن را تبدیل به دوست می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۶، ص ۴۲۸) در تفسیر قمی در مورد آیه «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» فرمود اسائه ادب دیگران را به حسن گفتار و رفتار پاسخ بده تا کسی که با تو اظهار دشمنی نموده رفیق و دوست تو گردد مانند اینکه دوست تو است و با او رابطه گرم و قرابت دارد. (حسینی همدانی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۲۷) از این رو جاحظ از علمای اهل تسنن می‌گوید: امیرالمؤمنین می‌فرماید: «أَحْسِنُ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ» (نعیمی آمدی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۸۴) نیکی کن به هر که دلت می‌خواهد، تو امیر او هستی».

۲-۵. پیشتازی در عمل

یکی از روش‌ها که مردم را به سوی پیامبران و رهبران الهی جذب می‌کرد و دل‌ها را متحول می‌ساخت، این بود که آنان فقط با گفتار مردم را به خداپرستی و اخلاق‌مداری دعوت نمی‌کردند بلکه خود الگوهایی فوق‌العاده از فضایل و رفتارهای اخلاقی و معنوی بودند و پیش از آنکه دیگران را به عمل فراخوانند خود عامل به آن بودند. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که سخن عالم بی‌عمل آن نفوذ بایسته و عمیق در قلوب را ندارد و به زودی اثرش زودده می‌شود همان‌گونه که باران بر سنگ صاف نمی‌ماند؛ «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا». (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴، ح ۳) در این راستا، خدای تعالی رسول گرامی خود را دستور می‌دهد که به مردم بگوید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». (انعام/۱۶۲-۱۶۳) منظور از این اعلام، این است که رسول خدا (ص) از تهمت دورتر شده و مردم بهتر دین او را تلقی به قبول کنند؛ چون یکی از نشانه‌های راست‌گویی این است که گوینده به گفته‌های خود عمل نموده و گفتارش با کردارش مطابقت داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۵۴۴).

۳. روش‌های نفوذ معنوی



۳-۱. تقوا

بر اساس فرمایشات قرآن کریم و روایات، خداوند اراده و فرمان بنده‌ای را نافذ می‌گرداند که مطیع او باشد و عبادت و فرمان‌پذیری را سرلوحه رفتارهای خویش قرار دهد؛ البته صرف‌نظر از مشکل بودن چنین استنتاجی در عالم تجربه، بر اساس آموزه‌های وحیانی، واقعیت افزایش ضریب نفوذ اراده به جهت بندگی خدا را نمی‌توان انکار کرد. (آقا پیروز و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶) قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (نحل/۱۲۸) در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آن‌ها نیکوکارند.» در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: «خَصْلَةٌ مَنْ لَزِمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَبِحَ الْقُورُ بِالْحُجَّةِ قَيْلٍ وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ التَّقْوَى مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ تَلَا وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۷، ص ۲۸۵، باب التقوی و الطاعة) یک خصلت است که هر کس همواره دارای آن باشد، دنیا و آخرت از او اطاعت و پیروی می‌کنند و سود سرشار دستیابی به بهشت نصیب او می‌گردد. پرسیده شد که یا رسول‌الله آن ویژگی و آن خصلت چیست؟ آن حضرت فرمود: تقوا؛ هر کس که می‌خواهد عزیزترین و گرامی‌ترین مردم باشد، باید تقوای الهی پیشه کند.» سپس این آیه شریفه را تلاوت کرد که هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

در سازمان نیز اگر مدیر و رهبر اهل پرهیزکاری باشد این اتفاق رخ می‌نماید و رهبر در اعضای سازمان نفوذی معنوی و اخلاقی می‌یابد و بهتر و آسان‌تر به اهداف سازمانی می‌رسد. شهید مطهری در چگونگی ارتباط قدرت معنوی با تقوا و میزان اثربخشی آن می‌نویسد: اگر عبادت به معنی واقعی و به صورت واقعی انجام بگیرد و مقرون به پاکی و تقوا و صفا باشد، هم به علم‌های پاک‌تر و خالص‌تر و هم به قدرت خارق‌العاده‌تری دست می‌یابد. و عمل



خارق‌العاده هم مخصوص انبیاء نیست، غیر انبیاء هم می‌توانند داشته باشند. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۴۱)

۲-۳. درک باطنی و الهام

دانشمندان مدیریت یکی از منشأهای قدرت‌ها را داشتن اطلاعات و درک صحیح شرایط می‌دانند. (مورهد و گریفین، ۱۳۸۴، ص ۳۸۵) با بررسی آیات به این نکته برمی‌خوریم که سطحی ممتاز از درک در شماری از انسان‌ها پدیدار می‌گردد که با علم و تخصص و مشورت به دست نیامده است، که می‌توان آن را «درک باطنی» نامید. برای این انسان‌ها، «این مقدار توانایی هست که با اتصال به آن جهان حقایقی از ناحیه علمی برای او کشف شود و مسائلی را از بالا (بالای معنوی نه بالای مادی) تلقی کند غیر از آنچه که از پایین تلقی می‌کند یعنی از این دنیا از طریق حواس و تجربه و تعلم به دست می‌آورد.» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۳۷) او می‌تواند به مقدار توان و ظرفیت خویش، روابط پیچیده عالم و جوامع و انسان‌ها را درک و به پشت و بخش پنهان نیت‌ها، رفتارها، روابط، گفته‌ها و رخدادها پی‌برد و قدرت پیش‌بینی و پیش‌گویی را بیابد. گویا او دیدگانی دارد که دیگران ندارند. «المؤمن ینظر بنور الله؛ (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۴، ص ۷۳).

انسان باایمان با نور خدا می‌بیند». وجود چنین درکی، رهبر را در تصمیم‌گیری‌ها و ارتباطات و اعمال قدرت و ... بسیار یاریگر است و می‌تواند با تکیه بر این الهامات غیبی دیگران را راهنمایی و هدایت کند. این درک باطنی یا الهام یکی از روش‌های نفوذ در دیگران است. چرا برخی افراد به این سطح از درک می‌رسند؟ قرآن، تقوا را عاملی برای رسیدن به درک باطنی و الهامات غیبی معرفی می‌کند و قرآن می‌فرماید: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ یُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره/۲۸۲) و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می‌دهد». هنگامی که



قلب انسان به وسیله تقوا صیقل یابد، همچون آئینه حقایق را روشن می‌سازد، این معنی کاملاً جنبه منطقی دارد؛ زیرا صفات زشت و اعمال ناپاک حجاب‌هایی بر فکر انسان می‌اندازد و به او اجازه نمی‌دهد چهره حقیقت را آن‌چنان که هست ببیند، هنگامی که به وسیله تقوا حجاب‌ها کنار رفت، چهره حق آشکار می‌شود (قمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۹۴) و هم به علم‌های پاک‌تر و خالص‌تر و هم به قدرت خارق‌العاده‌تری دست می‌یابد. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۴۱).

آیه زیرین سطحی عمیق‌تر از اعطای علم و دانش یعنی «فرقان» را بیان می‌دارد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (انفال/۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد. «فرقان» صیغه مبالغه از ماده «فرق» است و در اینجا به معنای چیزی است که به خوبی حق را از باطل جدا می‌کند. مشکل این است که در بسیاری از موارد، انسان گرفتار اشتباه می‌شود باطل را به جای حق می‌پندارد و دشمن را به جای دوست انتخاب می‌کند، و بیراهه را شاهراه. در اینجا دید و درک نیرومندی لازم است و نورانیت و روشن‌بینی فوق‌العاده. آیه فوق می‌گوید: این دید و درک ثمره درخت تقوا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۴۰)

۳-۳. استمداد از خدا (دعا)

یکی از قدرت‌های معنوی پیامبران و رهبران الهی که در قرآن فراوان آمده است «دعا و استمداد از خداوند متعال» می‌باشد. خداوند درباره استجابت دعا به‌طور مطلق و فراگیر می‌فرماید: «أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر/۶۰) مرا بخوانید تا شمارا اجابت کنم. «بهترین شاهد قرآن است که خداوند دعای اولیا و بندگان صالح خود را اجابت کرد. (مواردی از دعاهای پیامبران در این سوره‌ها آمده است برای نمونه: دعای حضرت ابراهیم برای خود و فرزندانش (ابراهیم/۳۵-۴۱، بقره/۱۲۶-۱۲۹)، دعای حضرت لوط برای پیروزی بر قوم تبهکار



(عنکبوت/۳۰، شعرا/۱۶۹)، دعای سپاهیان طالوت برای پیروزی بر دشمن (بقره/۲۵۰)، دعای حضرت سلیمان برای حکومتی بی‌مانند (ص/۳۵)، دعای حضرت ایوب برای رفع مشکلات و سختی‌های پیش‌آمده (انبیا/۸۳)، دعای حضرت یوسف برای رفتن به زندان برای نجات از دست زلیخا و مکرهایش (یوسف/۳۳)، دعای اصحاب کهف برای رشد (کهف/۱۰)، دعای حضرت موسی برای موفقیت و اثربخشی در رهبری (طه/۲۵-۳۵) و شکست دادن فرعون (یونس/۸۸)) خداوند دلیل این استجابات را ایمان و عمل صالح آنان بیان می‌کند: «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ؛ و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد.» (شوری/۲۶) کسانی که دارای چنین توانایی باشند که بتوانند مشکلات مختلف - که در حالت طبیعی از قدرت آدمی خارج است - را با درخواست از خداوند برطرف سازند می‌توانند نفوذ زیادی در قلوب مردم داشته باشند.

یکی از نمونه‌های مهم و تاریخی قضیه تحدی پیامبر اسلام (ص) با مسیحیان نجران است که پس از گفت‌وگوها و استدلال‌های روشن رسول خدا (ص) در حقانیت خود، آنان هدایت نیافتند. خداوند به پیامبرش دستور داد تا مباحله کنند. (آل عمران/۱۰) رسول خدا (ص) به ایشان فرمود: «پس با من مباحله کنید، اگر من صادق بودم لعنت خدا بر شما نازل شود و اگر کاذب باشم لعنتش بر من نازل شود.» مسیحیان فردا صبح برای مباحله آمدند؛ اما با دیدن عظمت معنوی رسول خدا (ص) و اهل‌بیتش (ع) سخت دچار وحشت شدند و به پیامبر (ص) عرضه داشتند: ما حاضریم تو را راضی کنیم، ما را از مباحله معاف بدار، رسول خدا (ص) با ایشان به جزیه مصالحه کرد و نصارا به دیار خود برگشتند. (قمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۶۱) این رخداد یکی



از نمونه‌های نفوذ قدرت معنوی رهبر توسط دعا است که مردم به حقانیت پیامبر (ص) و رسالتش پی بردند.

نمونه دیگر در سوره انفال آیات ۹-۱۳ درباره غزوه بدر است. این آیات به قسمت‌های حساسی از جنگ بدر و نعمت‌های گوناگونی که خداوند در این صحنه خطرناک نصیب مسلمانان کرد اشاره می‌کند. در پاره‌ای از روایات آمده که پیامبر (ص) با مسلمان‌ها در استغاثه و یاری طلبیدن از خداوند هم‌صدا بود، دست خود را به سوی آسمان بلند کرده بود. (طبرسی، ۱۴۰۸، ذیل آیه) قرآن نخست به دعا و استغاثه اشاره کرده و می‌گوید: «إِذْ دَسْتَفِئُثُونَ رَبَّكُمْ». در این هنگام خداوند تقاضای شما را پذیرفت و فرمود: «من شما را با یک هزار نفر از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند، کمک و یاری می‌کنم؛ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ». «مردفین» از ماده «ارداف» به معنی پشت سر هم قرار گرفتن است. (همان)

۳-۴. بشارت و انداز

پس از توحید بعد دیگر قدرت معنوی پیامبران، بر مدار ایمان به آخرت است. آنان مأمور بودند واقعیت‌های حیات پس از مرگ را برای آدمیان بیان کنند. در حقیقت یکی از دلایل تلاش رهبران قرآنی بر پذیرش و افزون‌سازی ایمان مردم به جهان آخرت، ایجاد کنترل درونی، بهینه‌سازی و به حداکثر آوری انگیزه‌ها، کوشش‌ها و هدف‌های هر فرد و جامعه‌ای و در دوران حاضر هر سازمانی توسط خودشان بوده است. «انبیای الهی مردم را با بشارت به سعادت و بهشت و ترساندن از شقاوت و دوزخ به ایمان و عمل صالح دعوت می‌کردند؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۹۳) زیرا ساختار روان‌شناختی انسان بر محور «خود» متمرکز است. این «خود» دوست دارد که سود ببرد و از ضرر اجتناب ورزد؛ (شاملی، ۱۳۷۹، ص ۳) از این رو بر اساس آیات قرآن کریم، رهبر باید از دو نیروی بشیر و نذیر بهره‌مند باشد: «یا



أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ (احزاب/۴۵-۴۶) ای پیامبر، ما تو را [به سَمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم». انذار در حقیقت اخبار و آگاهی از پیامدهای سوء، ویرانگر و زیان‌بار است. راغب اصفهانی در «المفردات» این واژه را چنین معنا می‌کند: اخبار فیه تخویف؛ آگاهی‌بخشی‌ای که در آن ترساندن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۳۱، ماده انذار) تبشیر بیشتر به صورت کلامی آن هم خبر دادن از آنچه ثمره عمل در آینده است می‌باشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۴۰).

بشارت و انذار یا تشویق و تهدید بخش مهمی از انگیزه‌سازی تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد. تشویق به‌تنهایی برای رسیدن به کمال کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت مطمئن است انجام گناه برای او خطری ندارد. از طرفی انذار تنها هم برای تربیت اخلاقی افراد مؤثر نیست، چون ممکن است روحیه یأس و ناامیدی به وجود آورد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۵).

بنابراین عامل ترس عامل فرونشاندن است، عامل رشد و پرورش دادن استعدادهای عالی نیست ولی عامل جلوگیری از رشد استعدادهای پست و پایین و عامل جلوگیری از طغیان‌هاست. (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷) ولی اشتباه است اگر داعی و مبلغ تکیه‌اش تنها روی تبشیرها و یا انذارها باشد، و بلکه جانب تبشیر باید بچربد. و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد: «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا، مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا». (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۴۳) زیرا کاربری قدرت پاداش و تشویق مادی یا معنوی به‌مراتب از کاربری و اثربخشی قدرت تنبیه افزون‌تر، عمیق‌تر، ماندگارتر و با کرامت انسانی و آزادی بشر همخوان‌تر است. سیره رسول مکرّم اسلام (ص) نیز بر تقدّم بشارت بر انذار و جذب و آسان‌گیری بوده است.



از ابن عباس درباره شأن نزول آیات ۴۵-۴۷ سوره احزاب نقل شده است: این آیات هنگامی نازل شد که رسول خدا (ص) به علی(ع) و معاذ دستور داده بود، به یمن بروند و به آن‌ها فرمود: «انطلقا فبشرا و لا تنفرا و یسرا و لا تعسرا؛ (سیوطی، ۱۴۳۷، ج ۶، ص ۴۶۲) بروید و به مردم بشارت بدهید و مردم را از دین نرانید و آسان بگیرید و سخت نگیرید؛ زیرا خداوند چنین فرموده است»؛ آنگاه آیه یادشده را قرائت فرمود.

نتیجه

در گونه‌شناسی قدرت رهبر، به سه قدرت: ۱. قدرت تخصص و اطلاعات؛ ۲. قدرت اخلاق و ۳. قدرت معنوی پرداخته شد. این سه با توجه دقیق و حکیمانه خداوند متعال به ابعاد وجودی و روان‌شناسانه آدمی، در قرآن طرح گردیده است. برای به‌کارگیری هرکدام از این قدرت‌ها، روش‌هایی از قرآن کریم استخراج شد و با استفاده از معانی لغوی، روایات، تفاسیر و یا دانش مدیریت و روان‌شناسی توصیف و تحلیل شدند و به سازوکارهای آن‌ها برای نفوذ پرداخته شد. رهبر سازمانی نخست باید قدرت‌های «تخصص و اطلاعات»، «اخلاق» و «معنوی» را کسب کند، نخستین دستور قرآن برای نفوذ در انسان‌ها، برخورد اخلاق‌مدارانه، با کرامت و آکنده از مهر و عطف است؛ از این‌رو رهبر در نخستین مرحله‌ی نفوذ خود باید از قدرت اخلاقی بهره بگیرد تا ارتباط عاطفی شایسته‌ای بین دو طرف برقرار گردد و سپس از دیگر روش‌ها بهره بجوید و خواسته و هدف خود را بیان کند و پیش‌برد. از آیات بررسی‌شده، به دست آمد که هرکدام از قدرت‌ها تا میزان مشخص و در یک بُعد خاص انسان نفوذ می‌کنند. رویکردهای معنوی می‌توانند انگیزه‌هایی فراتر از رویکردهای مادی و عاطفی ایجاد کنند و حتی آن‌ها را تحت کنترل خود دریاورند و مشکلات مادی را به راحتی قابل تحمل گردانند؛ البته در مدیریت اسلامی هرگز انگیزه‌های مادی و عاطفی نادیده گرفته نشده و نخواهد شد. در پایان پیشنهاد می‌شود با توجه به رویکرد نوین دانش مدیریت به معنویت و قدرت معنوی، بر روی ابعاد آن، مانند چیستی، چرایی، چگونگی و طراحی الگو و نظریه‌پردازی بر بنیان قرآن و روایات، پژوهش‌های جدی‌تر، عمیق‌تر و کاربردی‌تر ناظر به حل مسائل انجام شود.



منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

آقا پی‌روز، علی، خدمتی، ابوطالب، شفیع‌عی، عباس، بهشتی نژاد، سید محمود،
مدیریت در اسلام، زیر نظر سید مهدی الوانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم،
۱۳۸۴ش.

اس. اس خانکا، رفتار سازمانی، ترجمه دکتر غلامرضا شمس مورکانی، چاپ اول،
تهران، آی‌ی‌ژ، ۱۳۸۹ش.

جوادی آملی، عبدالله، پیامبر رحمت، چاپ دوم، قم، اسراء، ۱۳۹۰ش.
.....،.....، سیره پیامبران در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶ش.
.....،.....، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۱، چاپ نهم، قم، مرکز نشر اسراء،
۱۳۹۰ش.

.....،.....، انتظار بشر از دین، چاپ پنجم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، چاپ اول، قم، مرکز
جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷ش.

رایینز، استیفن پی. تیموتی ای. جاج، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه محمد اعرابی،
محمدتقی زاده مطلق. چاپ دوم، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۰ش.

رابینز، استیفن پی، مبانی رفتار سازمانی، ترجمه قاسم کبیری، دانشگاه آزاد اسلامی،
۱۳۸۱ش.



-، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانای‌ی فرد، چاپ اول، صفار، ۱۳۹۶.
-، رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسای‌ان، ج ۲، پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۷ ش.
- رضائی‌ان، علی، اصول و مبانی رهبری، تهران، سمت، ۱۳۸۰ ش.
-، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
-، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ یازدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۷ ش.
-، مدی‌ریت و رفتارهای سی‌اسی در سازمان، تهران، سمت، ۱۳۹۳ ش.
-، مدی‌ریت رفتار سازمانی، چ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
-، «شریان حیات مدی‌ریت»، (نگرشی بر مدی‌ریت در اسلام، مجموعه مقالات ارائه‌شده در چهارمین سمینار بین‌المللی مدی‌ریت اسلامی)، نوشته جمعی از علما و دانشمندان، چاپ دوم، مرکز آموزش مدی‌ریت دولتی، ۱۳۷۵ ش.
- زارعی متین، حسن، رفتار سازمانی پیشرفته، چاپ دوم، تهران، آگه، ۱۳۹۳ ش.
- سید رضی، شریف، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول، علامه بنی‌سی، ۱۳۹۵ ش.
- عباس‌علی شاملی، «جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران»، فصلنامه معرفت، ش ۳۳، ص ۳، ۱۳۷۹ ش.



شفیعی، عباس، خدمتی، ابوطالب، آقا پی‌روز، علی، رفتار سازمانی با روی‌کرد اسلامی (سطح گروه)، زی‌ر نظر دکتر حسن می‌رزای، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.

صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
کی‌الحسینی، بررسی اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر، مرکز مطالعات اقتصادی، ۱۳۸۶ ش.

طباطبای، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.

.....، روابط اجتماعی در اسلام، مشهد، کتاب‌فروشی جعفری.
قراملکی، احد فرامرزی، روش‌شناسی مطالعات دینی، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.

.....، اخلاق حرفه‌ای، چاپ دوم، تهران، نشر مجنون، ۱۳۹۶ ش.
قرشی بنای، علی‌اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۲ اق.

محمدی ری‌شهری، محمد، اخلاق مدی‌ریت در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی، قم، ۱۳۷۴ ش.

.....، رهبری در اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۵ ش.

حسینی شی‌رازی، سید محمد، انوار درخشان، بی‌تا، بی‌جا.

مطهری، مرتضی، ده گفتار، چاپ یازدهم، تهران، صدرا، ۱۳۹۷ ش.

.....، جاذبه و دافعه امام علی (ع)، چاپ ۵۲، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ ش.



-، مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۸۷ش.
-، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ پانزدهم، تهران، صدرا، ۱۳۷۶ش.
- مکارم شی‌رازی، ناصر، مدی‌ریت و فرماندهی در اسلام، چاپ چهارم، قم، انتشارات هدف، ۱۳۹۶ش.
-، تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴ش؛
-، ویژگی‌های مدی‌ریت اسلامی (ری‌شه‌ها، الگوها، انگیزه‌ها)،
- نگرشی بر مدی‌ریت در اسلام (مجموعه مقالات ارائه‌شده در چهارمین سمینار بین‌المللی مدی‌ریت اسلامی)، تهران، مرکز آموزش مدی‌ریت دولتی، چاپ دوم، ص ۷۹، ۱۳۷۵ش.
- مؤدب، سید رضا، روش‌های تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۹۴.
- مورهد و گری‌فین، رفتار سازمانی، ترجمه دکتر سید مهدی الوانی و دکتر غلامرضا معمارزاده، چاپ دهم، تهران، انتشارات مروای‌د، ۱۳۸۴ش.
- نادری قمی، محمد مهدی، قدرت در مدی‌ریت اسلامی، قم، چاپ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
-، «بررسی کاربرد چهار قدرت تنبیه، پاداش، تخصص و منتسب در مدی‌ریت الهی و اسلامی با تأکید بر قرآن»، (پای‌ان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدی‌ریت)، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.
- نبوی، محمد حسن، مدی‌ریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، چاپ هجدهم، ۱۳۹۱ش.
- هرسی، پال و بلانچارد، کنت، مدی‌ریت رفتار سازمانی، ترجمه دکتر علی علاقه بند، چ بی‌ست و پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.



منابع عربی

- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
- ابراهیم الجویبر، عبدالرحمن، الاداره والحکم فی الاسلام (الفکر و التطبیق)، الریاض، الطبعة الخامسة، الدار العربیة للموسوعات، ۲۰۱۱م.
- انصاری قرطبی، عبدالله، الجامع الاحکام القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، بیروت، الامیره، ۱۴۳۱ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۷ق.
- صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، مجمع الشہید الصدر العلمی والشقافی، ۱۴۰۸ق.
-، المدرسه القرآنیة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۸ق.
- عدوی، محمد احمد، دعوة الرسل الی الله، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۹ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ه.ق.
- کلی‌نی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالثقلین، ۱۳۹۰ش.
- سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۰۸ق.



مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چ اول، تهران، وزارت فرهنگ
و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، دار الکتب
الاسلامیة، ۱۳۶۲ش.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، موسسه دارالحدیث، ۱۳۷۴ش.
نعیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، مؤسسه طبعه و تجلید دارالکتاب،
۱۴۲۰ق؛

منابع انگلیسی

Hersey J.E., and Belanchard, Management of
Organizational Behavior, Prentice-Hall, 5th edition, 1988

Tourish&N, Spirituality at work and its Implications for
leadership and Followership: A post. structuralist perspective.

Vol 6 (2); 27-224, 2012.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی